

هو الحکیر الخلیع

# خردنامه صدر

فصلنامه علمی - پژوهشی فلسفه اسلامی

سال ۲۲، شماره ۱؛ پیاپی ۸۵

پاییز ۱۳۹۵

صاحب امتیاز: بنیاد حکمت اسلامی صدرا

مدیر مسئول و سردبیر: آیت الله سید محمد خامنه ای

## هیئت تحریریه

آیت الله سید محمد خامنه ای..... رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی..... استاد دانشگاه تهران

دکتر احمد احمدی..... استاد دانشگاه تهران

دکتر غلامرضا اعوانی..... استاد دانشگاه شهید بهشتی

دکتر رضا داوری اردکانی..... استاد دانشگاه تهران

دکتر کریم مجتهدی..... استاد دانشگاه تهران

دکتر سید مصطفی محقق داماد..... استاد دانشگاه شهید بهشتی

دکتر مقصود محمدی..... دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، کرج

ویراستار..... دکتر مقصود محمدی

مدیر اجرایی..... مهدی سلطانی گازار

مترجم انگلیسی..... دکتر رؤیا خویی

ویراستار انگلیسی..... دکتر علی نقی باقرشاهی

شاپا: ۰۸۷۴ - ۱۵۶۰

نشانی: تهران، بزرگراه رسالت، روبروی مصلی، مجتمع

امام خمینی (ره)، ساختمان ۱۲، بنیاد حکمت اسلامی صدرا

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۹۱۹

دورنگار: ۸۸۴۹۳۸۰۳

تلفن: (مقالات) ۸۸۱۵۳۲۲۱

(اشتراک و فروش) ۸۸۱۵۳۵۹۴

پست الکترونیک: siprin@mullasadra.org

پایگاه اینترنتی: www.mullasadra.org



## فهرست مطالب

سرمقاله..... ۳

هستی شناسی خیال نزد ابن سینا و ملا صدرا..... ۵

دکتر محسن حبیبی

تحلیل معنا و مفهوم «سلامت معنوی» در روانشناسی و

آموزه های فلسفی ملا صدرا..... ۲۳

دکتر عباس احمدی سعدی

مسئله توحید ذاتی و ارتباط آن با کاشفیت وحدت مفهوم از

وحدت مصداق..... ۳۷

دکتر سید مجید میردامادی

پاسخ به یک اشکال دیرین در نحوه مواجهه ملا صدرا با ادله

سهروردی بر انکار وجود نفس پیش از بدن..... ۵۱

دکتر علی شیروانی، مجتبی افشارپور

تحلیلی بر دیدگاه ابن سینا پیرامون ارتباط بدن، مرگ و حیات

اخروی..... ۶۷

دکتر فروغ السادات رحیم پور، زهرا حیدری

بررسی انتقادی استدلال سید شریف جرجانی بر

بساطت مشتق..... ۷۹

سید احمد حسینی سنگچال، دکتر محمد سعیدی مهر

دیدگاه حکیم سبزواری درباره برهان تضایف و نقش آن

در اثبات اتحاد عاقل و معقول..... ۹۵

محمد هادی توکلی، دکتر حسینعلی شیدان شید

۱. بنابر تأییدیه شماره ۳/۱۳۷۰۸۵ مورخه ۹۱/۰۷/۰۲ از

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، خردنامه صدرا دارای

درجه علمی - پژوهشی است.

۲. خردنامه صدرا در پایگاه های زیر نمایه میشود:

- پایگاه استنادی علوم اسلامی؛ ISC

- پایگاه مجلات تخصصی فلسفه جهان؛

Philosopher's Index

- پایگاه مجلات تخصصی نور؛ Noormags

- بانک اطلاعات نشریات کشور؛ Magiran

## راهنمای تدوین مقاله

- خردنامه صدرا بطور تخصصی فقط مقالاتی را که مربوط به حوزه فلسفه و علوم عقلی، مستدل و مستند به منابع معتبر باشد، برای چاپ میپذیرد.
- مقالات ارسالی باید مبتنی بر تحقیق و حاوی نکته‌ی بدیع و ابتکاری باشد، از نظم و انسجام منطقی لازم برخوردار باشد و اصول نگارش و اصالت زبان فارسی در آن بدقت رعایت شود.
- مقالات باید دارای چکیده (حدود ده سطر) و کلیدواژگان (حداکثر ده واژه) بوده و چکیده و کلیدواژگان انگلیسی نیز به آن ضمیمه شده باشد.
- لطفاً در ابتدای مقاله، عنوان مقاله، نام نویسنده، رتبه علمی و محل فعالیت (هرکدام بدو زبان فارسی و انگلیسی) و نیز نشانی بصورت دقیق در برگه‌ی جداگانه ذکر گردد.
- چنانچه مقاله برگرفته از پایان‌نامه یا طرح پژوهشی باشد یادآوری آن در ابتدای مقاله الزامی است.
- مقالات به رایانامه (ایمیل) مجله ارسال گردد. حتماً مرقوم شود «مربوط به خردنامه صدرا».
- رعایت اصول نشانه‌گذاری و ذکر نامهای غیرفارسی بزبان اصلی و نیز برجسته کردن نقل قولها ضروری است.
- مقالات ارسالی نباید قبلاً در جایی بچاپ رسیده باشد و ارسال آن نیز برای خردنامه صدرا تعهدی نسبت به چاپ ایجاد نمیکند اما خردنامه از حق تجدید چاپ و نیز نشر مقالاتی که پس از داوری دقیق و تأیید هیئت تحریریه بچاپ برسد، بصورت‌های رایج دیگر بزبان فارسی و دیگر زبانها برخوردار خواهد بود.
- مقالات ارسال شده بهیچ وجه مسترد نخواهد شد.
- خردنامه صدرا در ویرایش مطالب با حفظ محتوا و مفاد آزاد است.
- مسئولیت محتوا و مضمون مقالات بعهده مؤلف است و چاپ آن در این فصلنامه تنها برای عرضه و تلاقی افکار است و دلیل بر تأیید آن نیست.
- ارجاع به آثار ملاصدرا باید منطبق بر چاپ بنیاد حکمت اسلامی صدرا باشد.

## شیوه ارجاعات

- ارجاعات در خردنامه صدرا بصورت پاورقی است؛ با ذکر نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، شماره جلد، شماره صفحه.
- در مواردی که بلافاصله به منبع قبلی ارجاع داده شود از کلمه همان و شماره صفحه و در صورتی که شماره صفحه نیز یکی باشد از واژه همانجا استفاده شود.
  - در مورد مجلات و مجموعه مقالات عنوان مقاله ذکر گردد.
  - در ارجاع به منابع غیرفارسی، عنوان اصلی کتاب ذکر شود. بجای واژه‌های همان و همانجانب نیز بترتیب از علامتهای *ibid* و *idem* (بصورت ایتالیک) استفاده شود.
  - در فهرست منابع، مشخصات کامل کتاب‌شناسی هر منبع بصورت زیر فهرست گردد:  
— کتابها: نام خانوادگی مولف، نام مولف. عنوان کتاب (بصورت سیاه و ایتالیک)، مترجم، محل نشر، ناشر، سال نشر.  
مثال: مطهری، مرتضی، مسئله شناخت، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.  
— مجلات: نام خانوادگی مولف، نام مولف. «عنوان مقاله» (داخل گیومه)، نام مجله (بصورت سیاه و ایتالیک)، سال، شماره مجله، سال نشر.  
مثال: اعوانی، غلامرضا. «چرا ملاصدرا را صدرالمتألهین نامیده‌اند؟»، خردنامه صدرا، ۲، ۱۱، ۱۳۸۴.  
— مجموعه مقالات: نام خانوادگی مولف، نام مولف، «عنوان مقاله» (داخل گیومه)، عنوان کتاب (بصورت سیاه و ایتالیک)، گردآورنده یا ویراستار، محل نشر، ناشر، سال نشر.  
مثال: ابراهیمی دینانی، غلامحسین، «جایگاه ملاصدرا در فرهنگ علوم عقلی»، مکتب ملاصدرا و فلسفه‌های غربی، زیر نظر سیدمحمد خامنه‌ای، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۵.  
— در مورد منابع غیر فارسی نیز بهمین شیوه عمل شود.



ملت در حکم خانواده‌یی بزرگ است و ادارهٔ امور آن باید با نگاهی در این راستا نگریده شود. از جمله وظایف مدیران کشور و این خانوادهٔ بزرگ، علاوه بر دلسوزی و خیرخواهی، عبارتست از دقت در توزیع منابع و درآمدهای حاصل این جماعت، متناسب با اهمیت واقعی - نه ظاهری - آن و دادن نظم و تنظیمی حکیمانه و عقلایی در تخصیص سهم هر بخش به آن. بارها این قلم گفته و نوشته است که سهم معنویات و مصادیق آن - همچون فرهنگ و حکمت و دانش و اخلاق فردی و اجتماعی ... - بمراتب بیشتر از امور رو بنایی و مادی و ظاهری است، و امور معنوی و فرهنگی و عقلی بمراتب بیشتر در حفظ حیات و سلامت جامعه و رسیدن به دیگر اهداف کمک میکند و بهمین دلیل بر بخشهای دیگر تقدم دارد و ضعف آن، بالعکس، میتواند حتی اقتصاد و سیاست و دیگر بخشهای سازنده را هم خراب یا کم اثر نماید.

متأسفانه در بیشتر برنامه‌های کوتاه یا بلندمدت کشوری دیده میشود که فصل فرهنگ و امور معنوی در صفِ نعال و اواخر فصول برنامه‌ها و در

دورترین نقطه از چشم برنامه‌ریزان و نیز از سرچشمه حیاتبخش بودجه‌سالانه کشوری و عمومی قرار گرفته است و دستگاههای فرهنگی و حکمی - دولتی یا غیردولتی - بسبب کمبود منابع مادی و مالی، قادر به انجام تمام و کمال اهداف خود نیستند؛ چیزی که همواره آرزوی دشمنان این ملت بوده و هست.

اکنون که باز زمان دوره‌یی و سالانه تصویب بودجه رسیده است، وظیفه خود دانستیم که این نکات بسیار مهم، مورد توجه مسئولین و طراحان آن قرار گیرد و اگر مایل نیستند فرهنگ را در فصل و فصول اول برنامه‌ها قرار دهند دستکم سهم آنرا معقول و متناسب و همطراز با بخشهای دیگر بگذارند تا ندانسته به ضعف و خرابی فرهنگ کشور زبانی نزده باشند.

دشمنان قسم خورده خارجی این ملت، از یکطرف فرهنگ و معارف نادرست و فاسد خود را آرایش نموده و با وسایط و رسانه‌های توانایی که دارند بر جامعه ما تحمیل میکنند، و از طرف دیگر دستگاههای مربوطه و مأمور تأمین امور مالی، به دستگاههای فرهنگی - بویژه مؤسسات فلسفی و حکمی - کشور بهای کم میدهند و این جبهه مهم دفاعی ملت و کشور را در برابر هجوم مغول‌وار تمدن منحط غربی تنها میگذارند و سهمی اندک میدهند. حاصل پیام ما و جامعه تلاشگران نشر فرهنگ و حکمت و معنویت و عقلانیت آنست که در این فرصت بودجه‌نویسی، بحکم عدالت و وطن‌دوستی و عقل معاد و معاش، به فصل فرهنگ و امور معنوی بویژه حکمت و خردورزی توجهی بیشتر بنمایند تا در بارگاه حق و دادگاه وجدان انسانی سرشکسته نباشند.

# هستی‌شناسی خیال

## نزد ابن سینا و ملاصدرا

محسن حبیبی\*

استادیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی

### چکیده:

قوه خیال نزد ابن سینا و ملاصدرا از جمله قوای باطنی نفس محسوب می‌شود. ابن سینا بدلالی به مادی بودن این قوه و ملاصدرا نیز با ادله‌ی بی‌مجرد بودن آن قائل شده است. ابن سینا با مادی دانستن خیال با مشکلات فلسفی عدیده‌ی همچون معاد جسمانی و بقای برخی نفوس روبروست. ملاصدرا ضمن پاسخ به ادله‌ی وی، برای مدعای خود دلایل متعددی ذکر کرده است. در سنجش میان دلایل هر یک از این دو فیلسوف، ادله‌ی ملاصدرا را در مقایسه با نظر شیخ الرئیس متقنتر و مقبولتر می‌یابیم. در ضمن، ملاصدرا با قبول تجرد قوه خیال، به نتایج متعددی همچون توجیه بقاء حافظه در پیری، توجیه مسائل فراروانشناختی، اثبات معراج و معاد جسمانی و بقاء نفوس ساده‌انسانی نائل شده که ابن سینا در پی آنها بوده است. لذا میتوان نتیجه گرفت نظریه‌ی ملاصدرا در این باب، یعنی اعتقاد به تجرد قوه خیال کاربردیتر است و با آن بنحو ساده‌تری میتوان برای برخی معتقدات دینی، دلیل و توجیه عقلانی اقامه کرد.

### ۱. مقدمه

قوه خیال، بعنوان یکی از موضوعات مهم و پر دامنه در فلسفه اسلامی، دارای ثمرات فراوانی نزد فلاسفه است. در این میان، برخی فلاسفه همچون ابن سینا اعتقاد به مادی بودن قوه خیال دارند و در مقابل، ملاصدرا و اتباعش به تجرد این قوه قائلند.

سابقه این موضوع به ارسطو و نظریات او در باب رؤیا و خواب برمیگردد. او رؤیا را بوسیله قوه خیال تبیین میکند. پس از وی، فارابی نظریه نبوت و چگونگی نزول وحی را از طریق قوه خیال نبی مطرح میکند. فارابی تمامی معارف را نازل شده از سوی موجودی به نام عقل فعال میدانند و معتقد است پیامبران از طریق قوه متخیله با این عقل مرتبط شده و علوم را دریافت میکنند و حکیم فیلسوف از طریق قوه عقل منفعلش<sup>۱</sup>.

پس از فارابی، ابن سینا نیز بحث قوه خیال را پیگیری میکند. او این قوه را کاملاً جدای از ماده (مجرد تام) نمیداند. بنظر او خیال، آمیخته به لواحق

\*.Email:mohsenhabibi212@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۶ تاریخ تأیید: ۹۵/۵/۳

۱. «فیکون بما فیض منه الی عقله المنفعل حکیماً فیلسوفاً...»؛ فارابی، آراء اهل المدینه الفاضله؛ ص ۱۲۵؛ همو، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ص ۲۲۰.

### کلیدواژگان

قوای نفس	قوه خیال	موجود مادی
موجود مجرد	ابن سینا	ملاصدرا

# تحلیل معنا و مفهوم «سلامت معنوی»

## در روانشناسی و آموزه‌های فلسفی ملاصدرا

عباس احمدی سعدی\*

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

### چکیده

مفهوم «معنویت» در مقابل مادیت و جهان مادی، اصل اصیل همه ادیان آسمانی و حتی غیر آسمانی است. وجود و هستی حقیقی در ادیان، امری فرامادی و معنوی است. مفهوم معنویت، یعنی باور قلبی به وجود حقایق متعالی و مافوق طبیعی که بنظر ملاصدرا، کانون و اصل آن وجود واحد حق تعالی است. چنین اعتقادی، به رفتار و زوایای گوناگون زندگی رنگ و جهتی خاص میبخشد، بنحوی که فرد از «بودن» خود، دیگران و جهان نه تنها احساس بیهودگی و پوچی نمیکند بلکه از حس خوشایند رضایتمندی نیز برخوردار میشود. این معنا در روانشناسی لزوماً معطوف به آموزه قدسی یک دین خاص نیست؛ اگرچه با آن مخالفتی هم ندارد. صدرالمتألهین شیرازی بر پایه اصول حکمت متعالیه خود در علم النفس و ارتباط متقابل بدن و نفس، بر آن است که رفتار و اعمال ظاهری و بدنی و نیز علوم و آگاهیهای آدمی تأثیری ژرف بر نفس و روح انسان دارند و نهایتاً در فرآیند حرکت و سیورورت جوهری، سرنوشت او را رقم میزنند. طبق این اصول، سلامت و نیز بیماری معنوی و باطنی در گرو آگاهی و رفتار شخص خواهد بود. دانش روانشناسی، بویژه در شاخه انسان‌گرایانه آن، نیز بر نقش مهم معنویت در سامانمندی زندگی و سلامت

رفتار و شخصیت فرد تأکید نموده است. طبق نظریه برخی از روانشناسان وجودی (اگزیستانسیالیست) همچون فرانکل و یونگ، سلامت معنوی یکی از مؤلفه‌های مهم «شخصیت سالم» است.

### کلیدواژگان

معنویت  
نفس  
آگاهی و رفتار  
امراض روحی  
شخصیت سالم  
قلب سلیم

### مقدمه

علل و عوامل متعددی باعث شده تا «سلامت معنوی» در روزگار ما بصورت یک مشکل یا مسئله مهم برای اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم همچون فیلسوفان، روانشناسان، جامعه‌شناسان و حتی پزشکان مطرح گردد. برخی از این علل عبارت است از:

الف) تسلط و سیطره روزافزون فناوری، بویژه فناوری رسانه‌های ارتباط جمعی.

ب) ظهور مکاتب گوناگون فلسفی، فرقه‌ها و

\*.Email: aahmadi@iaufasa.ac.ir

تاریخ تأیید: ۹۵/۳/۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۴

# مسئله توحید ذاتی و ارتباط آن با

## کاشفیت وحدت مفهوم از وحدت مصداق

سیدمجید میردامادی\*

استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی جامعه المصطفی (ص) العالمیه

### چکیده

در این مقاله، ضمن اثبات حکایت و کاشفیت مفهوم واحد از مصداق واحد و ابطال جواز انتزاع مفهوم واحد از مصادیق کثیر، شبهه ابن کمونه بر برهان توحید رد و توحید ذاتی حق تعالی تبیین میشود. شبهه ابن کمونه بر مبنای اصالت و تباین وجودها و به مسلک اصالت ماهیت، وارد است و بر مبنای اصالت و تشکیک خاصی وجود، دفع میشود. روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد انتقادی است. مهمترین نتایجی که این تحقیق به آنها دست یافته عبارتند از: ۱. مفهوم و مصداق ذاتاً واحد هستند ۲. انتزاع مفهوم واحد از مصادیق کثیر از حیث کثرت، ممتنع است ۳. حقیقت مشترک، مبدأ انتزاع مفهوم واحد است ۴. وحدت مفهوم از وحدت مصداق کاشفیت دارد ۵. نسبت عنوان وجوب وجود به حقیقت وجود، نسبت ذاتی به صاحب ذاتی است و مفهوم وجوب وجود، از حاق وجود واجب، بدون حیثیت تقییدی و تعلیلی، انتزاع میشود ۶. شبهه ابن کمونه بر برهان توحید واجب الوجود بر مبنای امتناع انتزاع مفهوم واحد از مصادیق کثیر دفع میشود ۷. در فرضی که واجب الوجود، وجود صرف یا بسیط دانسته شود، شبهه طرح نمیشود.

### کلیدواژگان

مفهوم  
وحدت  
شبهه ابن کمونه  
مصداق  
کثرت  
توحید ذاتی

### طرح مسئله

موضوع مقاله حاضر، مسئله توحید ذاتی و ارتباط آن با کاشفیت وحدت مفهوم از وحدت مصداق است. در این تحقیق، با تبیین رابطه کاشفیت وحدت مفهوم از وحدت مصداق، شبهه ابن کمونه رد و توحید ذاتی حق تعالی تبیین میشود. در مسئله نسبت کاشفیت وحدت مفهوم از وحدت مصداق و انتزاع مفهوم واحد از حقایق کثیر متباین، دو نظر وجود دارد: ۱) انتزاع مفهوم واحد از حقایق کثیر متباین جایز است ۲) انتزاع مزبور، جایز نیست. نظر نخست، رأی متکلمان و فیلسوفان مشاء و نظردوم، عقیده فیلسوفان حکمت متعالیه است!

\*.Email:mirdamadiphilosophy@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۸ تاریخ تأیید: ۹۵/۳/۱۸  
این مقاله از رساله دکتری نگارنده که با عنوان «رابطه مفهوم و مصداق از حیث وحدت و کثرت» و با راهنمایی اساتید آقایان دکتر فیاض صابری و فرامرز قراملکی در دانشگاه فردوسی مشهد دفاع شده، برگرفته شده است.

۱. ر.ک: طوسی، شرح الاشارات والتنبیها، ج ۳، ص ۳۵؛



# پاسخ به یک اشکال دیرین در نحوه مواجهه ملاصدرا

## با ادله سهروردی بر انکار وجود نفس پیش از بدن

علی شیروانی\*، دانشیار گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
مجتبی افشارپور\*\*، دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی دانشگاه باقر العلوم (ع)

### چکیده

درباره وجود پیشین نفس - وجود نفس پیش از تعلق به بدن؛ خواه این وجود پیشین حادث باشد و خواه ازلی - میان حکیمان اختلاف است. ملاصدرا هرچند، نفس با تعیین خاص - نفس بماهی نفس - را برآمده از حرکت جوهری جسم (جسمانیة الحدوث) میدانند، وجود پیشین آن را نیز میپذیرد ولی آن را وجودی عقلی می‌شمارد. وی در این بحث، ادله سهروردی برای نفی وجود پیشین نفس را بررسی، نقد ورد میکند. بین شارحان کلام ملاصدرا همواره این پرسش مطرح بوده که چرا او ادله سهروردی را بر نفی وجود پیشین نفس با تعیین خاص خود حمل نکرده است تا با یکدیگر همسخن شوند، با آنکه کلام و ادله سهروردی زمینه چنین برداشتی را دارد؟ از اینرو، هم بعضی از مفسران متقدم ملاصدرا و هم بعضی از معاصرین، بر او خرده گرفته‌اند و اشکالهای وی بر سخن سهروردی را نابجا دانسته‌اند. این مقاله ضمن اشاره اجمالی به نکات بنیادین در ادله سهروردی و نقدهای ملاصدرا بر آن، نکته اصلی رویگردانی او از حمل کلام سهروردی بر رأی مختار خود را بیان میکند.

### کلیدواژگان

حدوث و قدم نفس  
شدت و ضعف ماهوی  
کینونت عقلی نفس  
تعلق نفس به بدن

### مقدمه

یکی از مهمترین و اساسیترین مسائل نفس شناسی در فلسفه ملاصدرا، مسئله حدوث یا قدم نفوس انسانی است. این مسئله همچون ستونی است که خیمه علم النفس بر آن استوار است و در صورت عدم تبیین صحیح و دقیق آن، این خیمه همیشه متزلزل خواهد بود.

ملاصدرا در این مسئله، خود را در برابر دو گروه میبیند؛ گروهی که قائل به حدوث نفس هستند، با این بیان که این نفس قبل از بدن هیچگونه سابقه‌ی در هستی نداشته و هیچ بهره‌ی از وجود نبرده است و گروهی که قائل به تقدم نفس بر بدن هستند، بدین بیان که نفس انسانی - حتی اگر از نظر زمانی حادث باشد - قبل از بدن با همین هویت نفسانی خلق شده است. نمونه بارز گروه نخست، مشائیان و در رأس

\*.Email:shirvani@rihu.ac.ir

(نویسنده مسئول) \*\*.Email:mojafs2@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۴ تاریخ تأیید: ۹۵/۳/۱۲



# تحلیلی بر دیدگاه ابن سینا پیرامون

## ارتباط بدن، مرگ و حیات اخروی

فروغ السادات رحیم پور\*، دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان  
زهرا حیدری\*\*، کارشناس ارشد فلسفه اسلامی دانشگاه اصفهان

### چکیده

در مصاحبت بدن با نفس در حیات دنیوی شکی وجود ندارد اما همراهی بدن دنیوی با نفس در حیات اخروی، محل بحث و اختلاف است. مطابق مبانی بوعلی سینا، بدن دنیوی نمیتواند حیات اخروی داشته باشد اما برخی آثار ناشی از حیات دنیوی بدن، تا ابد با نفس باقی میماند و بر حیات اخروی و ابدی انسان تأثیر میگذارد. بدن در نظر ابن سینا، نقش اساسی در وقوع مرگ دارد چراکه تغییر و انحلال ترکیب آن، عامل مفارقت نفس از بدن و در نتیجه خاتمه یافتن حیات دنیوی میگردد. با شروع مرحله اخروی حیات، اگرچه پیوند نفس با بدن مادی قطع میشود اما آثار ناشی از برخی افعال و ملکات دنیوی بدن زایل نمیشود و بنحوی بر کیفیت سرنوشت نهایی انسان و زندگی ابدی او تأثیر میگذارد. تحقق اتصال تام به عقل فعال که بارف موانع و محدودیتهای بدنی صورت میگیرد، ادراک حقیقی لذات معنوی و ادراک حقیقی ذات نفس، از جمله این آثار است. ملکات ناشی از هیئات بدنی که در نفس رسوخ یافته اند، تا حیات بعدی باقی میمانند و در فراهم کردن بستر سعادت و شقاوت نفس و تعیین کم و کیف ثواب و عقاب اخروی آن دخالت میکنند.

### کلیدواژگان

بدن  
مرگ  
ملکات اخلاقی  
حیات اخروی  
ابن سینا

### مقدمه

بررسی نحوه حدوث، حیات، بقا و معاد نفس و بدن، همچنین کم و کیف ارتباط این دو (بدن و نفس) در طول حیات دنیوی و حیات اخروی، از اصلیتزین مباحث انسان شناسی است. تأثیر و تأثر متقابل میان نفس و بدن در حیات دنیوی و نفی یا اثبات انتقال تمام یا بخشی از این آثار، در فلسفه اسلامی و در مبحث علم النفس و معاد جایگاه ویژه‌ای دارد. ابن سینا همچون عموم فلاسفه، قائل به ترکیب وجود آدمی از یک بعد روحانی و مجرد به نام نفس و یک بعد مادی و جسمانی به نام بدن است. وی در اکثر آثار خود با دقت، به تحلیل ارتباط عمیق و غیر قابل انکار نفس و بدن پرداخته که در این میان در کنار اصالت و محوریت نفس در تشکیل هویت آدمی، توجه به بعد جسمانی و مادی

(نویسنده مسئول) Email: fr.rahimpoor@gmail.com\*

Email:heidaryzahra311@yahoo.com\*\*

تاریخ تأیید: ۹۵/۴/۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۱۱

# بررسی انتقادی استدلال

## سید شریف جرجانی بر بساطت مشتق

سید احمد حسینی سنگچال\*، کارشناس ارشد فلسفه اسلامی دانشگاه تربیت مدرس  
محمد سعیدی مهر\*\*، استاد گروه فلسفه دانشگاه تربیت مدرس

### چکیده

مسئله بساطت یا ترکیب مشتق، از دغدغه‌هایی است که در عین شباهت آن به مباحث اعتباری، در مقاطعی بر بحث‌های فلسفی تأثیرگذار بوده است. نوشتار حاضر درصدد است به بررسی انتقادی استدلال جرجانی بر بساطت مشتق بپردازد. مطابق استدلال وی هرگاه مشتق، مرکب از «شیء له المشتق منه» فرض گردد، در صورت اخذ مفهوم «شیء»، دخول عرض عام در فصل و در صورت اخذ مصداق «شیء»، انقلاب قضایای ممکن به ضروری اتفاق می‌افتد. در صورت نخست فصل، از فصل بودن می‌افتد و در فرض دوم جهت امکان از عالم واقع جمع می‌گردد. برای تبیین کیفیت انقلاب، راهکاری ارائه شده است که به تحلیل مفهوم حصه و نقش قید و تقید در محمول باز می‌گردد. در ادامه، برغم بینقص شمردن این استدلال، روشن خواهد شد که دلیل مزبور برای اثبات بساطت مشتق ناکارآمد است و تنها از عهده اخراج مفهوم یا مصداق «شیء» از حقیقت مشتق برمی‌آید.

### مقدمه

مسئله بساطت یا ترکیب مشتق، هر چند بظاهر در قالب بحثی لفظی و اعتباری جلوه‌گر می‌شود اما از چند جهت برای فیلسوفان اهمیت دارد. نخست آنکه دلیل شیخ اشراق بر اعتباریت وجود، بر فرض ترکیب مشتق استوار است. بر پایه این استدلال، اگر مفهوم «وجود» از واقعیت خارجی برخوردار باشد، قضیه «الوجود موجود» صادق است. حال (بر اساس فرض ترکیب مشتق)، خود مفهوم «موجود» که در مسند محمول قرار دارد، به «شیء له الوجود» قابل تحلیل است و با نقل کلام در «وجود» مأخوذ در تحلیل مفهوم «موجود»، قضیه «الوجود موجود» در مورد آن صادق خواهد بود و با نقل کلام به مفهوم «موجود» در قضیه اخیر و تحلیل آن به «شیء له الوجود» این روند ادامه می‌یابد و این سیر به تسلسل منجر می‌شود. بدین ترتیب، سه‌رودی واقعیت‌دار بودن وجود را ابطال و اعتباری بودن آن را نتیجه می‌گیرد. همانگونه که ملاحظه

\* (نویسنده مسئول)

Email:hosseini.sangchal.ahmad@gmail.com

\*\*Email:saeedimehr@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۵/۵/۴

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۲۶

### کلیدواژگان

بساطت مشتق  
انقلاب قضایای ممکن به ضروری  
دخول عرض عام در فصل  
جرجانی

# دیدگاه حکیم سبزواری درباره برهان تضایف

## و نقش آن در اثبات اتحاد عاقل و معقول

محمد‌هادی توکلی\*، دانشجوی دکتری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
حسینعلی شیدان‌شید\*\*، استادیار گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

### چکیده

عالم و معلوم) از ارکان و مبانی حکمت صدرایی و یکی از مطالب فخیم در حکمت متعالیه<sup>۱</sup> است. صدرالمتألهین که مسئله اتحاد عاقل و معقول را مسئله‌ی ناگشوده برای عالمان اسلامی خوانده و فهم درست آن را تنها برای پاکنهادان و مهذبان ممکن دانسته<sup>۲</sup>، کوشیده است با اقامه برهان جایگاهی استوار بدان بخشد.

مهمترین برهانی که صدرالمتألهین در آثار متعدد خویش برای اثبات اتحاد میان عاقل و معقول اقامه کرده و البته آن را از الهامات و افاضات الهی بر خویش برشمرده است<sup>۳</sup>، برهانی مشهور به «برهان تضایف» است که در یکی از مقدمات آن، از یکی از احکام و ویژگیهای متضایفین (تکافؤ متضایفین) استفاده شده است. این برهان پس از وی مورد نقد و بررسی بسیار، و موافقتها و

حکیم سبزواری اگرچه همانند صدرالمتألهین از طرفداران نظریه اتحاد عاقل و معقول است اما بر خلاف وی، در باب برهان تضایف – که مهمترین برهان صدرالمتألهین برای اثبات این نظریه است – سخنان گوناگونی گفته و مواضع متفاوتی اختیار کرده است؛ گاه آن را ناتمام خوانده و اشکالات آن را برشمرده، گاه تقریری دیگر از آن بدست داده و گاه آن را تمام دانسته و به دفاع از آن پرداخته است. این مقاله به گزارش، تحلیل و بررسی سخنان گوناگون حکیم سبزواری درباره برهان تضایف اختصاص دارد. حاصل آنکه تلقی حکیم سبزواری از برهان صدرالمتألهین، تلقی خاصی است که در برخی موارد با کلام ملاصدرا سازگار نمی‌نماید و بر استدلالهای وی برای رد آن برهان نیز اشکالهایی وارد است اما در مجموع میتوان گفت مواضع گوناگون او کمابیش بایکدیگر هماهنگند.

(نویسنده مسئول) Email: iranianhadi@yahoo.com\*

Email: shidanshid@rihu.ac.ir\*\*

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۲۲ تاریخ تأیید: ۹۵/۵/۳

۱. آملی، درر الفوائد، ج ۱، ص ۱۲۴؛ مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۳، ص ۲۵۴.

۲. ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۳، ص ۳۴۰-۳۳۹؛ همو، مجموعه رسائل فلسفی، ج ۱، ص ۳۶۴؛ همو، رسالة فی اتحاد العاقل و المعقول، ص ۳.

۳. همو، رسالة فی اتحاد العاقل و المعقول، ص ۶۴؛ همو، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۳، ص ۳۴۰؛ همو، مجموعه رسائل فلسفی، ج ۴، ص ۶۳ و ۳۹۰.

### کلیدواژگان

اتحاد عاقل و معقول  
برهان تضایف  
صدرالمتألهین  
حکیم سبزواری

### مقدمه

مسئله اتحاد عاقل و معقول (و بتعبیری عامتر، اتحاد

## Abstracts

### Ontology of Imagination in Ibn Sina and Mulla Sadra

*Mohsen Habibi\**

The faculty of imagination is considered to be among the inner faculties of the soul by Ibn Sina and Mulla Sadra. Ibn Sina considered it material in nature, while Mulla Sadra maintained that it was immaterial, and both adduced some arguments to support their views in this regard. In considering imagination as material, Ibn Sina had to deal with some serious philosophical problems such as corporeal resurrection and preservation of certain souls. While responding to his arguments, Mulla Sadra provided several arguments in order to demonstrate his own stand on this issue. On evaluating the arguments of these two philosophers, the author finds Mulla Sadra's position to be more acceptable than that of Ibn Sina. Moreover, by confirming the immateriality of the faculty of imagination, Mulla Sadra had several achievements such as justifying the preservation of memory during old ages and some other meta-psychological problems and demonstrating ascension, corporeal resurrection, and subsistence of simple human souls, which Ibn Sina also sought to resolve. Therefore, it can be concluded that Mulla Sadra's theory regarding the immateriality of imagination is more functional and can facilitate the process of adducing rational justifications and arguments for some religious beliefs.

#### Key Terms

faculties of the soul  
material existent  
Ibn Sina

faculty of imagination  
immaterial existent  
Mulla Sadra

---

\* Assistant Professor, Philosophy Department, Allameh Tabataba'i University,  
mohsenhabibi212@gmail.com

# **An Analysis of the Meaning and Concept of Spiritual Health in Psychology and Mulla Sadra's Philosophical Doctrines**

*Abbas Ahmadi Saadi\**

The concept of spirituality as opposed to materiality and the material world constitutes the main principle of all revealed and non-revealed religions. True existence is spiritual in all religions. Spirituality means having great faith in the existence of transcendent and supernatural truths, which, in Mulla Sadra's view, have their origin in the unique existence of Almighty Truth. Such a belief grants a specific color and direction to human behaviors and various angles of life, so that individuals will never consider their own being or that of others and the world to be in vain. Rather, it fills them with a pleasant feeling of satisfaction. This concept is not limited to the holy doctrines of a specific religion in psychology, and it is not opposed in this field, either. Based on the principles of his Transcendent Philosophy regarding psychology and the mutual body-soul relation, Mulla Sadra believes that behaviors, physical acts, sciences, and human awareness exercise a profound influence over the human soul and spirit and finally determine their fate in the process of the trans-substantial motion and becoming. Accordingly, one's spiritual and inner health depends on their awareness and behavior. The science of psychology, particularly humanistic psychology, greatly emphasizes the critical role of spirituality in organizing individuals' life, character, and behavior. According to some existentialist psychologists, such as Frankl and Jung, mental or spiritual health comprises one of the important elements of a healthy personality.

## **Key Terms**

spirituality  
soul  
awareness and behavior

mental disorders  
healthy personality  
pure heart

---

\* Assistant Professor, Islamic Azad University, Fasa Branch, aahmadi@iaufaca.ac.ir

# The Problem of Essential Oneness and its Relationship with the Representativeness of the Unity of Concept Based on the Unity of Referent

*Seyyed Majid Mirdamadi\**

In this paper, while demonstrating the representativeness of the concept of the one based on the single referent and rejecting the possibility of abstracting the single concept from multiple referents, the writer refutes Ibn Kamuneh's paradox regarding the argument of the oneness of the Divine Essence and explains the essential unity of Almighty Truth. His paradox holds true based on the principiality and heterogeneity of existences and the principiality of quiddity; however, it is refuted based on the principiality and particular gradation of existence. This study was carried out following the descriptive-analytic method and a critical approach. Its most important conclusions include: 1) Concept and referent are essentially one; 2) Abstracting a single concept from multiple referents in terms of multiplicity is impossible; 3) Common truth is the origin of abstracting a single concept; 4) The unity of concept represents the unity of the referent; 5) Attributing the title of the necessity of existence to its truth is the same as attributing an essential entity to the essential thing, and the concept of the necessity of existence is derived from the innermost of the necessary existence without a determining and causal mode; 6) Ibn Kamuneh's paradox regarding the argument of the Oneness of the Necessary being is rejected based on the impossibility of deriving a single concept from multiple referents, and 7) If the Necessary Being is considered to be pure existence or simple, no objection will be leveled.

## Key Terms

concept

unity

Ibn Kamuneh's paradox

referent

multiplicity

Oneness of the Divine Essence

---

\* Assistant Professor, Islamic Philosophy and *Kalam* Department, Jami'at al-Mustafa al-'Alimiyyah, mirdamadphilosophy@gmail.com

This paper has been derived from the writer's PhD dissertation entitled "The Relationship between Concept and Referent in terms of Unity and Plurality". It was defended under the supervision of Dr. Fayyaz Saberi and readership of Dr. Faramarz Qaramaleki at Ferdowsi University of Mashhad.

# A Response to an Old Problem about Mulla Sadra's Encounter with Suhrawardi's Arguments on Denying the Pre-Existence of the Soul

*Ali Shirvani<sup>1</sup> and Mojtaba Afsharpour<sup>2</sup>*

There are some disagreements among philosophers on the pre-existence of the soul, that is, the existence of the soul before joining the body, whether it is originated or pre-eternal. Mulla Sadra maintains that the soul – the soul qua soul – originates in the trans-substantial motion of the body (corporeal origination) through particular individuation. However, he agrees with its pre-existence and considers it to be a rational one. When discussing this issue, he investigates, criticizes, and rejects Suhrawardi's arguments on denying pre-existence. The commentators of Mulla Sadra's words have always asked the question of why he did not agree with Suhrawardi's arguments on denying the soul's pre-existence based on his own particular individuation so that they would appear unanimous with respect to this problem. At least, this is what one could understand from Suhrawardi's words and arguments. Accordingly, some of the early and contemporary commentators criticized him and believed that his objections to Suhrawardi's words were unfounded. In this paper, while briefly referring to the fundamental principles of Suhrawardi's arguments and Mulla Sadra's related criticisms, the writers explain the main reason why Mulla Sadra refused to accept Suhrawardi's view about the pre-existence of the soul.

## Key Terms

origination and pre-eternity of the soul  
quiddative intensity and weakness

rational existence of the soul  
addition of the soul to the body

- 
1. Associate Professor, Philosophy and *Kalam* Department, Research Institute of Hawzah and University, shirvani@rihu.ac.ir
  2. PhD candidate of Islamic Philosophy, Baqir al-Olum University (corresponding author), mojafs@yahoo.com

# An Analysis of Ibn Sina's View Regarding the Relationship between the Body, Death, and Otherworldly Life

*Furugh al-Sadat Rahimpoor<sup>1</sup> and Zahra Heidary<sup>2</sup>*

There is no doubt about the co-existence of the body and the soul in worldly life. However, there are some debates on the accompaniment of worldly body and the soul in other worldly life. Based on Ibn Sina's principles, worldly life cannot have an otherworldly life; however, some effects of the worldly life of the body stay with the soul until eternity and affect Man's otherworldly and eternal life. In Ibn Sina's view, the body plays an essential role in the occurrence of death. This is because its change and annihilation are the reasons behind the separation of the soul from the body and, as a result, the end of worldly life. Upon the beginning of the otherworldly stage of life, the unity of the soul with the material body is ruptured; however, the effects of some of the worldly acts and behaviors of the body are not destroyed and, rather, affect the quality of the final destiny of human beings and their lives in some way. The actualization of complete connection with the Active Intellect, which becomes possible through overcoming all physical barriers and limitations and the true perception of spiritual pleasures and the essence of the soul are among such effects. The behaviors rooted in the bodily configurations that have penetrated the soul remain until the next life and play a role in providing the context for the happiness and misery of the soul and determining the quantity and quality of its otherworldly rewards and punishments.

## Key Terms

body  
death  
Ibn Sina

moral habits  
otherworldly life

- 
1. Associate Professor, Islamic Philosophy and *Kalam* Department, University of Isfahan (corresponding author), fr.rahimpoor@gmail.com
  2. MA in Islamic Philosophy, University of Isfahan, heidaryzahra311@yahoo.com



# A Critical Study of Seyyed Sharif Jurjani's Reasoning Regarding the Simplicity of the Derivative

*Seyyed Ahmad Hosseini Sangchal<sup>1</sup> and Mohammad Saeedimehr<sup>2</sup>*

The problem of the simplicity or combination of the derivative is one of the controversial issues which, in spite of its similarity to mentally-posed discussions, has sometimes affected philosophical debates. The present paper reports on the results of a critical study of Jurjani's reasoning regarding the simplicity of the derivative. In his view, whenever the derivative is assumed to consist of "*shayin lahu ...*", in case of attaining the concept of "*shay*", interference of general accident in differentia occurs. However, in case of attaining the extension of "*shay*", the transformation of the possible proposition through the necessary happens. In the first case, the differentia fails to be a differentia, and in the second case the direction of possibility is removed from the world of reality. In order to explain the quality of the transformation, a solution has been presented which analyzes the concept of portion and the role of limitation and determination in the predicate. Here, the writers, in spite of considering this argument to be perfect, clarify that the given reason for demonstrating the simplicity of the derivative is inefficient and is only capable of deriving the concept or referent of "*shay*" from the truth of the derivative.

## Key Terms

Jurjani  
interference of general accident in differentia  
transformation of possible propositions through the necessary

simplicity of derivative

---

1. MA in Islamic Philosophy, Tarbiat Modares University (corresponding author),  
hosseini.sangchal.ahmad@ gmail.com

2. Professor at Philosophy Department, Tarbiat Modares University, saeedimehr@yahoo.com

# Hakim Sabziwari's View of the Correlation Argument on Demonstrating the Union of the Intellect and the Intelligible

*Mohammad Hadi Tavakkoli<sup>1</sup> and Hossein Ali Shidanshid<sup>2</sup>*

Like Mulla Sadra, Hakim Sabziwari is an advocate of the theory of the union of the intellect and the intelligible. However, unlike him, Sabziwari has spoken differently and adopted different positions regarding the correlation argument, which is Mulla Sadra's most important argument for demonstrating the above theory. Sabziwari has sometimes called it imperfect and referred to its defects and, at other times, he has viewed it as a perfect argument and defended it. This paper analyzes and examines his different statements about the correlation argument. In conclusion, the writers maintain that Hakim Sabziwari's interpretation of Mulla Sadra's argument is a specific one which is, in some cases, inconsistent with Mulla Sadra's words. They also question his reasons for rejecting this argument; however, they declare that Sabziwari's various positions with respect to the correlation argument could be considered to be, more or less, consistent with each other.

## Key Terms

union of the intellect and the intelligible  
Hakim Sabziwari

correlation argument  
Mulla Sadra

- 
1. PhD candidate of the Institute for Humanities and Cultural Studies (corresponding author), [iranianhadi@yahoo.com](mailto:iranianhadi@yahoo.com)
  2. Assistant Professor, Philosophy and *Kalam* Department, Research Institute of Hawzah and University, [shidanshid@rihu.ac.ir](mailto:shidanshid@rihu.ac.ir)

## Instructions to Authors



- ❖ *Kheradname-ye Sadra Quarterly* only publishes articles in the fields of philosophy and rational sciences with a sound theoretical basis.
- ❖ The submitted articles must be based on research and present innovative views and ideas. They should be clearly and coherently written so that the contents are internally consistent and accessible to the readership. The submissions should closely follow the composition rules and principles in Persian.
- ❖ All articles should begin with an abstract no more than 10 lines and a maximum of 10 keywords. The abstract and the keywords should also be supplied in English.
- ❖ The title of the article, the name (s) of the author (s), the academic rank and position of the author (s), the affiliation of the author (s), and the contact information of the author (s) must be accurately given both in Persian and English on a different page at the beginning of the article.
- ❖ If the submission is based on a thesis, dissertation, or research project, authors are required to acknowledge it at the beginning of the article.
- ❖ Articles should be sent to the Journal's email address. Please write in the subject box "Related to Kheradname-ye Sadra".
- ❖ Authors are required to observe all notation and punctuation rules in Persian. They should also provide the original spelling of non-Persian names and highlight the quotations by using quotation marks or presenting the long ones in blocks.
- ❖ The submission of an article implies that it has not been published previously, and it is not being considered for publication elsewhere, either in the submitted form or in a modified version. The submission of an article does not mean that it will necessarily be published.
- ❖ *Kheradname-ye Sadra* holds the copyright for the publication of the accepted articles in different forms in Persian and other languages.
- ❖ The submitted articles will not be returned to the authors. Contributors are advised to retain at least one copy for themselves.
- ❖ *Kheradname-ye Sadra* holds the right to edit the submissions while being loyal to the original content.
- ❖ The authors are responsible for the content of their articles. The publication of articles in this Quarterly serves the purpose of exchanging ideas and thoughts, and in no way does it imply that the editorial board of *Kheradname-ye Sadra* necessarily agrees with the content of the accepted articles.
- ❖ Authors should give full bibliographical details of references and list them in alphabetical order of author, following the style of the examples given below. Page numbers for journal articles should be truncated where possible. No page ranges are required for books.
- ❖ All references to Mulla Sadra's works must be in conformity with the publication information of the books published by the Sadra Islamic Philosophy Research Institute.

### References

- ❖ Citations in *Kheradname-ye Sadra* should be given in the form of footnotes. Each citation must include the source title, the writer's name and family name, the volume number, the page number, and the date of publication.
- ❖ When reference is made to a previously cited book or article by the same author, use the word *Ibid* plus the page number. If the page number is also the same, use *Idem*.
- ❖ When referring to an article, it is necessary to include the title of the article and the title of the journal or edited collection in which it has been published.
- ❖ The original title of the reference and its publication information should be supplied when referring to non-Persian sources.
- ❖ The bibliographical data of each source should be given in the reference list following the rules given below:  
**Books:** Family name, name, *Title of the Book*, (in italics and bold letters, with content words capitalized), translator's name, place of publication, publisher, date of publication.  
**Journals:** Family name, name, "Title of the article", *Title of the Journal* (in italics and bold letters), volume number, issue, page number, date of publication.  
ex: A'awani, Gholamreza, "Why is Mulla Sadra Called Sadr al-Muti'allihin?", *Kheradname-ye Sadra*, 2/11: 24-32, 2005.  
**Edited Collections:** Family name, name, "Title of the article", *Title of the Book* (in italics and bold letters), name and family name of the editor, place of publication, publisher, date of publication.  
ex: Ibrahimi Dinani, Gholamhossein, "Mulla Sadra's Place in the Encyclopedia of Rational Sciences", in *Mulla Sadra's School and Western Philosophies*, edited under the supervision of Seyyed Mohammed Khamenei, Tehran, Sadra Islamic Philosophy Research Institute, 2006.
- ❖ The same rules should be followed when listing non-Persian sources.



## Contents

**Mulla Sadra's Life, Works, and Philosophy**  
*Prof. S. M. Khamenei*.....3

### • Abstracts

Ontology of Imagination in Ibn Sina and Mulla Sadra  
*Mohsen Habibi*.....6

An Analysis of the Meaning and Concept of  
Spiritual Health in Psychology and Mulla Sadra's  
Philosophical Doctrines  
*Abbas Ahmadi Saadi*.....7

The Problem of Essential Oneness and its  
Relationship with the Representativeness of the  
Unity of Concept Based on the Unity of Referent  
*Seyyed Majid Mirdamadi*.....8

A Response to an Old Problem about Mulla Sadra's  
Encounter with Suhrawardi's Arguments on  
Denying the Pre-Existence of the Soul  
*Ali Shirvani and Mojtaba Afsharpour*.....9

An Analysis of Ibn Sina's View Regarding the  
Relationship between the Body, Death, and  
Otherworldly Life  
*Furugh al-Sadat Rahimpour and Zahra Heidary*.....10

A Critical Study of Seyyed Sharif Jurjani's Reasoning  
Regarding the Simplicity of the Derivative  
*Seyyed Ahmad Hosseini Sangchal and Mohammad  
Saeedimehr*.....11

Hakim Sabziwari's View of the Correlation Argument  
on Demonstrating the Union of the Intellect and the  
Intelligible  
*Mohammad Hadi Tavakkoli and Hossein Ali  
Shidanshid*.....12

1. According to certificate Number 3/137085 issued  
on 23 September 2012 by the Ministry of  
Science, Research and Technology, the  
Quarterly of *Kheradnameh-ye Sadra* has a  
Scientific-research degree.

2. *Kheradnameh-ye Sadra* is indexed in the  
following centers:

- Islamic World Science Citation Center (ISC)
- Philosopher's Index
- Magiran
- Noormags

﴿﴾ *He is the Wise, the Omniscient* ﴿﴾

## *Kheradnameh-ye Sadra*

Scientific-Research Quarterly of Islamic Philosophy

Volume 22, Number 1; Issue 85



License-holder:

**Sadra Islamic Philosophy Research Institute**

Director and Editor-in-chief:

**Prof. Seyyed Mohammed Khamenei**

### Editorial Board:

**Prof. Seyyed Mohammed Khamenei**.....  
President of Sadra Islamic Philosophy Research Institute

**Prof. Gholamhossein Ibrahimi Dinani**.....  
University of Tehran

**Prof. Ahmad Ahmadi**.....  
University of Tehran

**Prof. Gholamreza A'awani**.....  
Shahid Beheshti University

**Prof. Reza Dawari**.....  
University of Tehran

**Prof. Karim Mojtahedi**.....  
University of Tehran

**Prof. Seyyed Mostafa Mohaqqiq Damad**.....  
Shahid Beheshti University

**Dr. Maqsd Mohammadi**.....  
Islamic Azad University, Karaj

### Persian Editor:

*Dr. Maqsd Mohammadi*

### Administrative Manager:

*Jaleh Shamsollahi*

### English Translator:

*Dr. Roya Khoii*

### English Editor:

*Dr. Ali Naqi Baqershahi*

### Publisher:

Sadra Islamic Philosophy Research Institute

ISSN: 1560-0874

**Address:** Building #12, Sadra Islamic  
Philosophy Research Institute, Imam Khomeini  
Complex, Resalat Highway, Tehran, Iran.

**P.O. Box:** 15875, 6919

**Telephone:** (+98 21) 88153210, 88153594

**Fax:** (+98 21) 88493803